

رابطه سبک‌های هویت و سلامت اجتماعی با رفتار کمک‌طلبی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در ریاضیات

کامران گنجی^۱

مهرداد نوابخشی^۲

رزیتا ذبیحی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۳

تاریخ وصول: ۹۰/۵/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه ارتباط بین سبک‌های هویت و سلامت اجتماعی با رفتار کمک‌طلبی دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی انجام شد. گروه نمونه عبارت بودند از: ۱۳۱ نفر دانش‌آموز دختر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بوده و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه هویت برزونسکی (۱۹۸۹)، پرسشنامه سلامت اجتماعی کییز (۱۹۹۸) و پرسشنامه رفتار کمک‌طلبی رایان و پینتریچ (۱۹۹۷) استفاده شد. داده‌های پژوهش با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد که، از بین

ganji@iau.malayer.ac.ir

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

مؤلفه‌های پنجگانه سلامت اجتماعی (انسجام، پذیرش، مشارکت، شکوفایی و انطباق) پذیرش اجتماعی همراه با هر سه سبک هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) می‌تواند اجتناب از کمک طلبی دانش آموزان را پیش‌بینی کنند. به طوری که متغیرهای پذیرش اجتماعی، سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی نقش کاهشی و متغیر سبک هویت اجتنابی در تغییرات اجتناب از کمک طلبی دانش آموزان در درس ریاضی نقش افزایشی داشته‌اند. از بین هشت متغیر پیش‌بین، پنج متغیر مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، سبک هویت اجتنابی، سبک هویت هنجاری، و سبک هویت اطلاعاتی می‌توانستند، پذیرش کمک طلبی دانش آموزان در درس ریاضی را پیش‌بینی نمایند. متغیرهای انسجام اجتماعی، انطباق اجتماعی و پذیرش اجتماعی، نقشی در تبیین پذیرش کمک طلبی نداشتند. مشارکت اجتماعی با بیشترین سهم، تقریباً ۱۱/۷ درصد از تغییرات مربوط به پذیرش کمک طلبی دانش آموزان در درس ریاضی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: سبک‌های هویت، سلامت اجتماعی، رفتار کمک‌طلبی، دانش آموزان پیش‌دانشگاهی.

مقدمه

رفتار کمک طلبی^۱، ماهیتی پیچیده و چندبعدی دارد، به طوری که توسط پژوهشگرانی از رشته‌های گوناگون نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته است (دیپائولو، نادلر، فیشر^۲، ۱۹۸۳). پژوهشگران در بررسی‌های اولیه به ویژه در حیطه اجتماعی شدن و تحول شخصیت، رفتارهای کمک طلبی را نوعی وابستگی و فعالیتی تحقیرآمیز می‌پنداشتند (نلسون-لی گال^۳، ۱۹۸۵). برخی از نظریه‌پردازان گفته‌اند که کمک طلبی را می‌توان از طریق سرافکنندگی و از دست دادن عزت نفس پیش‌بینی کرد. سایر

1. help-seeking behavior
2. Depaulo, Nadler & Fisher
3. Nelson- Legall

پژوهشگران کمک‌طلبی را نشانه ناتوانی فرد می‌دانند. اما نلسون-لی گال (۱۹۸۱) یک مدل مفهومی جدید از کمک‌طلبی ارائه کرده است. او تأکید مطالعات بر کمک‌طلبی از دیدگاه برچسب زدن و رفتار خودتخریبی را به روشی جایگزین برای رویارویی با مشکلات جاری، تغییر داده است. وی خاطر نشان می‌سازد که رفتار کمک‌طلبی را می‌توان با استفاده از ویژگی‌های شخصی و ویژگی‌های شرایط در موقعیت‌های یادگیری و پیشرفت توضیح داد و پیش‌بینی کرد. پس از آن پژوهش‌های بسیاری به مطالعه رفتار کمک‌طلبی در یادگیری پرداختند.

کمک‌طلبی نمودهای بسیاری در زندگی آدمی دارد. برای مثال، مسافری که مسیر حرکت را گم کرده ممکن است برای پیدا کردن مسیر به نقشه مراجعه یا از دیگران پرس و جو کند. شخصی که ناراحتی جسمانی دارد، ممکن است از پزشک کمک بخواهد. فردی که از اختلال روانی رنج می‌برد ممکن است مشکل خود را با یک دوست، خویشاوند یا روان‌شناس در میان بگذارد. یک دانش‌آموز ممکن است برای مشکل درسی از معلم، همکلاس یا فرد دیگری راهنمایی بخواهد. همه این مثال‌ها، نمونه‌هایی از کمک‌طلبی محسوب می‌شوند (دیپائولو، ۱۹۸۳). بر این اساس کمک‌طلبی را می‌توان نوعی تعامل اجتماعی افراد با یکدیگر توصیف نمود (نیومن^۱، رایان، گین، میگلی^۲، ۱۹۹۸؛ رایان، پینتریچ^۳، میگلی، ۲۰۰۱).

کمک‌طلبی ممکن است از ارزش‌ها و باورهای رایج فرهنگی نیز تأثیر پذیرد. برای مثال، در جوامعی که بر مزیت خودمختاری، خوداتکایی، فردیت، استقلال و پیشرفت فردی تأکید می‌شود، ممکن است کمک‌طلبی به عنوان یک رفتار وابسته و غیرانطباقی نگریسته شود. بر بنیان این دیدگاه، رفتار کمک‌طلبی با سطوح پایین نیاز به پیشرفت همراه است. در مقابل، در

1. Newman
2. Rayan, Gheen, Midgely
3. Pintrich

جوامعی که بر روحیه جمع‌گرایی تأکید می‌شود، کمک‌طلبی نوعی تعامل اجتماعی و رفتار انطباقی پنداشته می‌شود (باتلر^۱، ۱۹۹۸).

کلاس درس جایی است که دانش‌آموزان در آن از نظر درسی با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند و باید از افراد با تجربه و کارآمد (مانند معلمان و همکلاسی‌ها) کمک بخواهند. با این حال روان‌شناسان تربیتی به مطالعه رفتار کمک‌طلبی دانش‌آموزان در محیط‌های تحلیلی کمتر پرداخته‌اند (باتلر، ۲۰۰۶). کمک‌طلبی در حوزه تحصیل و یادگیری ممکن است به عنوان نشانه‌ای از رفتار وابسته و غیرانطباقی پنداشته شود. معلمان پیرو چنین دیدگاهی ترجیح می‌دهند که دانش‌آموزان از کمک‌طلبی اجتناب کرده و به انجام دادن تکلیف‌ها به صورت مستقل مبادرت ورزند. همچنین کمک‌طلبی به عنوان رفتاری انطباقی و نوعی راهبرد یادگیری نیز دانسته شده است (باتلر و نیومن، ۱۹۹۸؛ رایان و پیتتریچ، ۱۹۹۷؛ نیومن، ۱۹۹۸). معلمانی که از این دیدگاه به کمک‌طلبی می‌نگرند سعی خواهند کرد تا دانش‌آموزان را هرچه بیشتر به پرس و جو و کمک گرفتن از دیگران ترغیب کنند.

دانش‌آموزان ممکن است سؤال‌های فراوانی بکنند، اما معمولاً در مدرسه این طور نیستند. در یکی از تحلیل‌های دقیق از پرسش‌های مطرح شده در بیست درس (راگک^۲، ۱۹۹۳)، تعداد سؤال‌هایی که دانش‌آموزان به صورت خودجوش مطرح کرده بودند از بیست مورد کمتر بود و بسیاری از این سؤال‌ها نیز ربطی به تفکر نداشتند. به نظر می‌رسد که بیشتر سؤال‌های دانش‌آموزان از نوع سؤال‌های موقعیتی هستند مانند: «این تکلیف کی تمام می‌شود؟»، یا «آیا باید تاریخ را هم ذکر کنیم؟ تا سؤال‌های که با فرایند تفکر سر و کار دارند مانند: «چرا آسمان آبی رنگ است؟» هوان-شانگ، زوی و ینگ-یاتو^۳ (۲۰۰۹) بر تغییر فضای یادگیری کلاس پس از انجام فعالیت‌های پژوهش محور تأکید کردند. آنها در پژوهشی بر روی دانش‌آموزان در درس علوم دوره ابتدایی، دریافتند دانش‌آموزانی که از سطح توانایی بالاتری در سؤال کردن و

1. Butler

2. Wragg

3. Huann – Shyang & Ying - Yao

پاسخ دادن برخوردارند، در مقایسه با سایر دانش آموزان سؤال‌های تفکر برانگیز بیشتری مطرح می‌ساختند. در این فرایند نقش معلمان در تشویق کردن دانش آموزان به سؤال کردن و همچنین مطرح ساختن سؤال‌های تفکر برانگیز برجسته بود.

رفتار کمک‌طلبی تحت دو عنوان اجتناب از کمک‌طلبی و پذیرش کمک‌طلبی بررسی می‌شود. اجتناب از کمک‌طلبی به رفتاری اشاره می‌کند که در آن دانش آموز نیازمند کمک، از کمک گرفتن خودداری می‌کند، در حالی که پذیرش کمک‌طلبی به رفتاری اشاره دارد که در آن دانش آموز توضیحاتی را در مورد راه حل مسأله درخواست می‌کند و این امر باعث می‌شود دانش آموز مسأله را بهتر حل کند (حجازی و پاکدامن، ۱۳۸۰).

دوران نوجوانی، بحرانی‌ترین دوره برای سازگاری و شکل‌گیری شخصیت است. برخی از روان‌شناسان معتقدند که انسان در نوجوانی از نظر روانی دوباره متولد می‌شود، زیرا فرد دنیای ساده و آشنای کودکی را پشت سر گذاشته با یک سری تغییرات سریع رو به رو می‌شود. باورها و انتظارات وی تغییر یافته و خود را با دنیای پیچیده و جدید روبه رو می‌بیند. وی نیاز دارد که در این دنیای جدید خود را به عنوان یک انسان منحصر به فرد مطرح ساخته و جایگاه خود را در نظام گسترده اجتماعی پیدا کند. کسب هویت^۱ پاسخی است به نیاز نوجوانان برای درک خود به عنوان کسی که با وجود داشتن چیزهای مشترک با دیگران، از آنها متمایز و جداست. تشکیل هویت، احساس ذهنی از تمامیت درونی فرد فراهم می‌کند و براساس آن زندگی برای وی هدف و معنا پیدا می‌نماید (برزونسکی^۲، ۱۹۹۲).

اریکسون^۳ (۱۹۶۸) نخستین کسی بود که برای فهم فرایند شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی چارچوبی ارائه کرد. وی شکل‌گیری هویت فردی در دوره نوجوانی را نشانه‌ای از سازگاری و تعادل در این دوره می‌داند. براساس نظریه اریکسون، اگر هویت نوجوان در طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد درست اجتماعی شکل گیرد و نوجوان بتواند خود

1. identity
2. Beronsky
3. Ericson

را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود. جیمز مارسیا^۱ (۱۹۸۰) هویت را یک سازمان پویا، خودساخت یافته و درونی از کشاننده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی تعریف می‌کند. بنا به نظر وی افرادی که دارای ساختار تحول یافته‌تری هستند، نسبت به یکتایی و نیز شباهت خود به دیگران آگاهی بیشتری دارند و از ضعف‌ها و توانمندی‌های خود در یافتن راه خویش در زندگی دارای شناخت بیشتری می‌باشند. افرادی که در سطوح پایین تحول این ساخت هستند، در تمایز خود از دیگران دچار سردرگمی بیشتر و در ارزیابی خود به افراد دیگر بیشتر متکی هستند.

در تعریف هویت بسیاری از پژوهشگران روی جنبه‌های ساختاری هویت (وضعیت‌های هویت)^۲ تأکید کرده‌اند. در مدل مارسیا (۱۹۶۶) افراد براساس میزان جستجوگری^۳ و تعهد هویت^۴ در یکی از وضعیت‌های چهارگانه هویت قرار می‌گیرند. افرادی که دارای جستجوگری بالا هستند در دو وضعیت هویت موفق^۵ و معوق^۶ قرار می‌گیرند؛ تفاوت این دو گروه در این است که افراد دارای هویت موفق به هدف‌های خاصی متعهد شده‌اند، در حالی که گروه با هویت معوق فاقد تعهد هویت هستند. افراد واقع در وضعیت هویت زودرس^۷، دارای تعهد بدون جستجوگری هستند و افراد دارای هویت سردرگم^۸ هیچ جستجوگری و بحرانی را سپری نکرده‌اند و در عین حال به هدف‌های خاصی نیز تعهد ندارند (مارسیا، ۱۹۸۰).

گروهی دیگر از پژوهشگران مانند برزونسکی (۱۹۹۷، ۱۹۹۰) تحول هویت را به صورت یک فرآیند مفهوم‌سازی کرده‌اند. برزونسکی سه سبک پردازش هویت را بیان می‌کند: ۱- نوجوانان دارای سبک هویت اطلاعاتی^۹، درگیر فرآیند خودکاوشگری فعال هستند و به

-
1. Marcia
 2. identity status
 3. exploration
 4. commitment
 5. achievement identity status
 6. moratorium identity status
 7. foreclosure identity status
 8. diffusion identity status
 9. informational identity status

جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند. این افراد نیاز بالایی برای شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند، کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید از پذیرش بالایی برخوردارند. ۲- نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری^۱ به شیوه جزمی و هنجاری عمل می‌کنند. این افراد همواره با تجربه‌ها و انتظارهای افراد مهم زندگی شان هم‌نوایی می‌کنند و تمایلی قوی به درونی‌سازی ارزش‌های گروه‌های مرجع دارند. ۳- نوجوانان دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی^۲ تا جای ممکن از رویارویی با مسائل مربوط به هویت دوری می‌کنند، رفتارشان براساس عوامل موقعیتی و لحظه‌ای تنظیم می‌شود و بیشتر از راهبردهای اسنادی و شناختی ضعیف استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۳).

از سوی دیگر در دهه‌های اخیر نقش یادگیری خودتنظیمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چشمگیر بوده است (رایان و پینتریچ^۳، ۱۹۹۷؛ نقل از قدم‌پور و سرمد، ۱۳۸۲)، چرا که دانش‌آموزان با استفاده از این راهبردها می‌توانند موقعیت‌ها را به نحوی ترتیب دهند که به یادگیری و عملکرد تحصیلی بهتری نائل شوند. از جمله این راهبردها، کمک‌طلبی یا جستجوی کمک تحصیلی از دیگران است.

گال^۴ (۱۹۸۷) و نیومن (۱۹۹۰)، کمک‌طلبی را یکی از راهبردهای یادگیری می‌دانند که دانش‌آموزان با استفاده از آن می‌توانند مسائل و مشکلات یادگیری و تحصیلی خود را تشخیص داده و از طریق پرسش و کمک گرفتن از دیگران در جهت رفع آن اقدام نمایند. آنها می‌توانند از طریق این راهبرد برای تبحر یافتن بر مهارت‌ها و یادگیری بهتر استفاده نمایند. دانش‌آموزان زمانی که به کمک نیازمند هستند و تقاضای کمک می‌کنند، نه تنها مشکلات تحصیلی‌شان کاهش می‌یابد، بلکه دانش و مهارت‌هایی را کسب می‌کنند که در حل مسأله به آنها کمک

1. normative identity status
2. diffuse / avoidant identity status
3. Rayan & Pintrich
4. Gall

می‌کند (قدم پور و سرمد، ۱۳۸۲). از سوی دیگر برزونسکی و کاک^۱ (۲۰۰۰) نیز نشان دادند سبک‌های هویت با پیشرفت تحصیلی در رابطه هستند، به طوری که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، اهداف شغلی و تحصیلی روشن و مشخصی دارند و در محیط تحصیلی از خودمختاری، عملکرد تحصیلی بالا، انتظار پیشرفت، درگیری آموزشی و توسعه روابط بین فردی بیشتری نسبت به همسالان خود در دو سبک دیگر برخوردارند. در صورتی که افراد دارای سبک هنجاری تحمل کمی در برابر موقعیت‌های جدید و مبهم آموزشی دارند و اهداف شغلی و آموزشی مشخص شده آنها از بیرون کنترل می‌شود و کاملاً انعطاف‌ناپذیرند. همچنین افراد دارای سبک سردرگم/اجتنابی، فاقد اهداف تحصیلی و شغلی ثابت و روشن هستند و از سطوح پایین مهارت‌های تحصیلی، خویشنداری و خودمختاری تحصیلی برخوردارند و دچار مشکلات تحصیلی و سازگاری هستند که معمولاً انتظار شکست و ناکامی دارند. بنابراین با توجه به رابطه بین سبک‌های هویت و پیشرفت تحصیلی و رابطه بین پیشرفت تحصیلی و رفتار کمک‌طلبی می‌توان به این نتیجه رسید که سبک‌های هویت نیز می‌توانند با رفتار کمک‌طلبی ارتباط داشته باشند.

حال با چنین برداشتی از مسأله به نظر می‌رسد، سبک‌های هویت می‌توانند تبیین‌کننده‌ی راهبردهای غلبه بر مشکلات یادگیری و بهبود تبحر یا همان کمک‌طلبی تحصیلی باشند. چنان که نیومن (۱۹۹۴) نیز معتقد است نوجوانی که به طور فعال درگیر فرایند کاوشگری است، نیاز بالایی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کند و در این مسیر به میزانی از تعهد نیز دست یافته است.

هویت از طریق معاشرت با دیگران و در بطن اجتماع شکل می‌گیرد و رشد می‌کند، در این میان سلامت روانی، ذهنی و اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. به عبارت دیگر سلامت اجتماعی، گزارش فرد از کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی است که روی شکل‌گیری و چگونگی این روابط در دوره نوجوانی تأکید زیادی شده است.

1. Kuk

بنابراین برای کسب هویت علاوه بر خود فرد، عوامل دیگری مانند محیط و اجتماع نیز تأثیرگذار خواهند بود و فردی که بتواند با محیط خود (اعضای خانواده، همکاران، همسایگان و به طور کل اجتماع) سازگار شود، از سلامت اجتماعی بهنجار برخوردار خواهد بود و می‌تواند تغییرات فردی و اجتماعی را یکپارچه کند و به خویشتن‌پنداری مثبتی دست یابد و هویت خود را شکل دهد، در غیر این صورت با سردرگمی و بی‌هویتی رو به رو خواهد شد که پیامد آن تزلزل در اعمال و رفتار خواهد بود و همین مسأله باعث می‌شود، سلامت اجتماعی فرد به خطر بیفتد (گنجی، ۱۳۸۲).

بلوک و برسلو^۱ (۱۹۷۲) برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در پژوهشی به مفهوم سلامت اجتماعی پرداختند، این مفهوم را چند سال بعد دونالد^۲ و همکارانش (۱۹۸۷) گسترش دادند، آنها معتقد بودند که سلامت اجتماعی در حقیقت هم بخشی از ارکان وضع سلامت محسوب می‌شود و هم می‌تواند تابعی از آن باشد. حوزه سلامت اجتماعی از سال‌های ۱۹۹۵ به بعد، علاوه بر نگرش کلی و عامی که بر کیفیت سلامت در میان تمام افراد دارد، در کشورهای صنعتی گرایش خاصی را در دو بعد سلامت روانی و نیز سلامت اجتماعی آغاز کرده است. طبق نظریه کیز (۱۹۹۸) سلامت اجتماعی عبارت است از: ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی عضوی از آنهاست. طبق این تعریف شاخص‌های سلامت اجتماعی عبارت‌اند از: انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انطباق اجتماعی. انسجام اجتماعی، ارزیابی کیفیت روابط فرد در جامعه و گروه اجتماعی است که به آن تعلق دارد. پذیرش اجتماعی یعنی دیدگاه مطلوب نسبت به دیگران. شکوفایی اجتماعی به ارزیابی توانمندی‌های بالقوه اجتماع به صورت کلی برمی‌گردد. مشارکت اجتماعی باوری است که

1. Block & Berslo
2. Donald

طبق آن فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می‌داند و انطباق اجتماعی یعنی درک اجتماع به صورت هوشمند، قابل درک و قابل پیش بینی.

کارابینک و کناپ^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی با عنوان کمک طلبی تحصیلی و استفاده از راهبردهای یادگیری نشان دادند که یادگیرندگان فعال، تمایل بیشتری به جستجوی کمک دارند و کمک طلبی به طور مستقیم با راهبردهای شناختی و فراشناختی و تنظیم منابع در ارتباط است. نیومن و گلدین^۲ (۱۹۹۵) در پژوهشی تحت عنوان عدم تمایل دانش آموزان دوره ابتدایی به جستجوی کمک از والدین، معلمان و همکلاسی‌هایشان به این نتیجه رسیدند که به نظر این دانش آموزان همکلاسی‌ها نسبت به افراد بزرگسال در پاسخ به سؤالات آنها کمتر مؤثر بوده و در رابطه با واکنش‌های منفی کمک طلبی از قبیل احمق بودن، دلواپسی بیشتری از جانب همکلاسی‌ها نسبت به افراد بزرگسال احساس می‌کردند.

نلسون-لی گال (۱۹۸۷) در پژوهشی در مورد کمک طلبی ضروری و غیرضروری به این نتیجه دست یافت که کودکان با افزایش سن، کمک ضروری را نسبت به کمک غیرضروری، بیشتر جستجو کرده و آشکارا کمک غیرمستقیم را به کمک مستقیم ترجیح می‌دهند. نیومن (۱۹۹۰) در پژوهشی که رابطه بین انگیزش و نگرش‌ها با رفتار کمک طلبی را بررسی می‌کرد، ادراک لیاقت، انگیزش درونی، و نگرش کمک طلبی ۱۷۷ دانش آموز پایه سوم، پنجم و هفتم را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که تأثیر عوامل انگیزشی در رفتار کمک طلبی دانش آموزان پایه سوم و پنجم نسبت به دانش آموزان پایه هفتم بیشتر است.

رایان و پینتریچ (۱۹۹۷) در پژوهشی نقش انگیزش و نگرش‌ها در رفتار کمک طلبی دانش آموزان پایه هفتم و هشتم را بررسی کردند. آنها عوامل انگیزشی را به دو مقوله اهداف پیشرفت (تکلیف مدار، بیرونی و توانایی نسبی) و ادراک لیاقت (شناختی و اجتماعی)، نگرش‌ها نسبت به

1. Karabenik & Knapp
2. Newman & Goldin

کمک‌طلبی را به سه مقوله (فواید، ترس از معلم و ترس از همسالان) و رفتار کمک‌طلبی را به دو مقوله پذیرش و اجتناب از کمک‌طلبی طبقه‌بندی کردند.

یافته‌های حجازی و پاکدامن (۱۳۸۰) نشان داد که دانش‌آموزان در شرایط تکلیف‌درگیر بیشتر اقدام به کمک‌طلبی نموده و هدف از آن را بهبود یادگیری و رسیدن به موفقیت بیان می‌کنند. در مقابل در شرایط خوددرگیر، دانش‌آموزان کمتر به جستجوی کمک پرداخته و هدف از اقدام به کمک‌طلبی را دشواری تکلیف بیان می‌دارند. همچنین یافته‌های آنها بر این دلالت دارد که سطح توانایی دانش‌آموزان بر ماهیت کمک‌طلبی تأثیر می‌گذارد، اما بر میزان کمک‌طلبی تأثیر معناداری ندارد. به علاوه دانش‌آموزانی که بیشتر به جستجوی کمک اقدام می‌کنند در انجام مسائل بعدی به صورت انفرادی و مستقل به موفقیت بیشتری نایل می‌شوند.

نتایج پژوهش قدم‌پور و سرمد (۱۳۸۲) نشان داد که: (۱) بهترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده پذیرش کمک‌طلبی عبارتند از: اهداف تکلیف‌مدار و ادراک لیاقت اجتماعی، (۲) بهترین متغیر پیش‌بینی‌کننده اجتناب از کمک‌طلبی، اهداف بیرونی است و (۳) رفتار کمک‌طلبی (پذیرش و اجتناب از کمک‌طلبی) پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. به طور کلی، نتایج پژوهش آنها حاکی از اهمیت توجه به مؤلفه‌های انگیزشی-اجتماعی در رفتار کمک‌طلبی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است.

پاکدامن و همکاران (۱۳۸۷) نقش کمک‌طلبی تحصیلی در بهبود عملکرد دانش‌آموزان در جریان حل مسأله ریاضی را بررسی کردند. آنها دریافتند، کیفیت کمک‌طلبی دانش‌آموزان دارای توانایی گوناگون، با یکدیگر تفاوت دارد. کیفیت کمک‌طلبی دانش‌آموزان در مراحل گوناگون کسب مهارت تغییر می‌کند و دانش‌آموزانی که بیشتر پرس و جو می‌کردند موفق شدند به صورت مستقل به مسائل بیشتری پاسخ دهند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که کمک‌طلبی تحصیلی نه تنها یک رفتار وابسته نیست، بلکه یک راهبرد اساسی یادگیری برای حل مسائل و رسیدن به استقلال در عملکرد است.

وب و مسترجورج^۱ (۲۰۰۳) رفتارها و تجربه‌های دانش‌آموزانی که برای حل مسائل ریاضی در گروه‌های کوچک ناهمگن کار می‌کردند را مورد بررسی قرار دادند. دانش‌آموزانی که حل کردن مسائل را قبلاً آموخته بودند، در حین کار گروهی بالاترین سطح کمک را دریافت می‌کردند و در نتیجه مسائل ریاضی گروهی را بدون نیاز به کمک بیشتری حل می‌کردند. یافته‌های آنان نشان داد که رفتار کمک‌طلبی مهمترین عامل تعیین‌کننده در موفقیت‌شان در پس‌آزمون بود. دانش‌آموزان به جای درخواست راه‌حل یا پاسخ سؤال‌ها، خواهان توضیح‌های دقیق‌تر می‌شدند.

پژوهش‌ها در مورد رفتار کمک‌طلبی و عوامل مؤثر بر آن حتی به گروه دانشجویان نیز پرداخته‌اند. برای مثال المار و رینر^۲ (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر آموزش فراشناخت بر رفتار کمک‌طلبی دانشجویان در محیط یادگیری مجازی پرداخته و دریافتند که کارایی رفتار کمک‌طلبی دانشجویان تا اندازه زیادی به عوامل انگیزشی و مهارت‌های فراشناختی وابسته است. همچنین در پژوهش دیگری رفتار کمک‌طلبی دانشجویان با نوع هویت آنها و سبک ابراز وجود رابطه داشته و تا حد زیادی تحت تأثیر بافت اجتماعی و فرهنگی قرار دارد (ورودن، ونک، میجمان^۳، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی دوستانه و غیر رسمی بیشتر درخواست کمک می‌کنند (اسکینر و مادن^۴، ۲۰۱۰).

با دریافت مفهوم سلامت اجتماعی، انتظار می‌رود، رفتار کمک‌طلبی دانش‌آموزان به وسیله معیارهای گروهی یا اجتماعی محیط خود تحت تأثیر قرار گیرد. چرا که غالباً دانش‌آموزان با موقعیت‌هایی رو به رو می‌شوند که در آن موقعیت‌ها نمی‌توانند خواسته‌های خود را برآورده کنند و برای انجام تکلیف‌های خود به کمک دیگران نیاز دارند. در این صورت درک هوشمندانه دانش‌آموز از موقعیت و محیط اجتماعی، می‌تواند عامل مؤثری در

-
1. Webb & Mastergeorge
 2. Elmar & Rainer
 3. Verouden, Vonk & Meijman
 4. Skinner & Madden

کمک گرفتن از دیگران باشد. بر این اساس، پرسش زیر مطرح شده است: آیا انواع سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) و سلامت اجتماعی (انسجام، پذیرش، مشارکت، شکوفایی و انطباق) در رفتار کمک‌طلبی دانش‌آموزان اثر پیش‌بینی‌کنندگی دارند؟

روش

از آنجا که هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه سبک‌های هویت و سلامت اجتماعی با رفتار کمک‌طلبی است، لذا غیرآزمایشی و از نوع همبستگی است که طی آن پژوهشگر بدون دستکاری متغیرها سعی دارد روابط همزمان متغیرها را مطالعه نماید. هدف مطالعه همبستگی بررسی حدود تغییرات یک یا چند متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است. در این نوع تحقیق رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد (دلاور، ۱۳۸۴). برای افزایش دقت پیش‌بینی یک متغیر ملاک معین، ترکیبی از تعدادی متغیر پیش‌بین به کار برده می‌شود که به آن فن همبستگی چندگانه^۱ گفته می‌شود. همبستگی چندگانه، همبستگی بین مجموعه‌ای ترکیبی از متغیرهای پیش‌بین و یک متغیر ملاک است. به کارگیری تمامی متغیرهای پیش‌بین معمولاً نسبت به یک متغیر پیش‌بین واحد، امکان پیش‌بینی دقیق‌تری را فراهم می‌کند (کازبی^۲، ۲۰۰۹، ترجمه نفیسی و گنجی، ۱۳۸۹).

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ بود. از مجموع ۳۷۸۰۰ نفر دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی شهر تهران، ۲۷۶۰۸ نفر دختر بودند.

نمونه و روش نمونه‌گیری: با توجه به تعداد متغیرهای مستقل، تعداد نمونه لازم بر اساس فرمول پیشنهادی تاباچنیک و فیدل^۳ (۲۰۰۷) برابر با ۱۱۴ نفر برآورد شد. برای کنترل ریزش آزمودنی‌ها، تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب

1. multiple correlation
2. Cozby
3. Tabachnick & Fidel

شدند. سرانجام پس از کنار گذاشتن آزمودنی‌هایی که پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل نکرده بودند، حجم نمونه به ۱۳۱ نفر کاهش یافت.

ابزار پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه استفاده شده است:

الف- پرسشنامه سلامت اجتماعی

این پرسشنامه توسط کیز^۱ (۱۹۹۸) بر اساس مدل نظری وی از سازه سلامت اجتماعی تهیه و دارای ۳۳ گویه است که ۶ گویه مربوط به عامل مشارکت اجتماعی، ۷ گویه مربوط به انسجام اجتماعی، ۷ گویه عامل پذیرش اجتماعی و ۶ گویه مربوط به عامل انطباق اجتماعی است. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای بوده و به هر گزینه به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ اختصاص می‌یابد. ۱۸ گویه پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. کیز (۱۹۹۸) اعتبار خرده مقیاس‌های انسجام، پذیرش، مشارکت، شکوفایی و انطباق اجتماعی را با ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۷، ۰/۷۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۵ و برای کل آزمون ۰/۸۰ برآورد کرده است.

حیدری (۱۳۸۵) نیز روایی سازه این پرسشنامه را در جامعه دانشجویان دانشگاه‌های آزاد استان مرکزی با استفاده از تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داد، نتایج مطالعه او نشان داد که ۵ عامل پرسشنامه بر روی هم ۴۶/۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کنند. وی همچنین اعتبار کل پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ بدون حذف هیچ یک از سؤال‌ها برابر با ۰/۸۳ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز اعتبار خرده مقیاس‌های انسجام، پذیرش، مشارکت، شکوفایی و انطباق اجتماعی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۸۳، ۰/۷۵ و ۰/۷۹ محاسبه شد.

1. Keyes

ب- پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی (ISI-6G)^۱

این پرسشنامه اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی-اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. این پرسشنامه سه سبک هویت شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ گویه است. پاسخ هر گویه بر روی یک طیف پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، تا حدودی موافق=۳، موافق=۴ و کاملاً موافق=۵) مشخص می‌شود (شکری، غنایی، دانشور، شهرآرای، ۱۳۸۶). یازده گویه به سبک هویت اطلاعاتی، ده گویه به سبک هویت سردرگم/اجتنابی، نه گویه به سبک هویت هنجاری و ده گویه به مقیاس تعهد اختصاص دارد. برزونسکی (۱۹۹۲) در آخرین نسخه تجدید نظر شده خود، ضریب اعتبار هر یک از خرده مقیاس‌های سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است. وایت، وامپلر، وین (۱۹۹۸) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۵۹، سبک هویت هنجاری ۰/۶۴ و سبک هویت سردرگم/اجتنابی ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز غضنفری (۱۳۸۲) برای کل نمونه تحقیق خود ضریب آلفای ۰/۶۸ بدست آورد (فارسی نژاد، ۱۳۸۳). همچنین برای سه خرده مقیاس اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی، ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ گزارش شده‌اند (فارسی نژاد، ۱۳۸۳).

وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی روایی این پرسشنامه، پاسخ‌های افراد را در سه سبک هویتی با روش تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واریماکس با مؤلفه اصلی بررسی کردند. ضریب همبستگی بین عوامل به دست آمده به ترتیب عامل اول ۰/۷۹، عامل دوم ۰/۸۱ و عامل سوم ۰/۸۴ به دست آمد. فارسی نژاد (۱۳۸۳) روایی سازه این آزمون را با روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داد که اندازه کفایت نمونه برداری ۰/۷۵ بود. همچنین در بررسی او برای تعیین مناسب‌ترین عامل بعد از چندین چرخش آزمایشی و با توجه به نمودار اسکری،

1. Identity Styles Inventory

عامل اول با ارزش ویژه حدود ۱۵/۵ به تنهایی ۱۷/۲ درصد از واریانس و در مجموع سه عامل روی هم ۳۲/۲ درصد واریانس را تبیین کردند. در پژوهش مغانلو و همکاران (۱۳۸۷) نیز براساس تحلیل عاملی از طریق روش تحلیل مؤلفه اصلی، سه عامل حاصل شدند که روی هم ۳۲/۸۵ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. ضرایب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی سه سبک هویت اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری به ترتیب برابر ۰/۷۶، ۰/۶۹ و ۰/۶۸ به دست آمد. در این پژوهش نیز، برای برآورد اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. که برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۶۷، ۰/۷۳ به دست آمده است.

ج- پرسشنامه کمک‌طلبی

رفتار کمک‌طلبی براساس رویکرد رایان و پینتریچ (۱۹۹۷) به دو مقوله پذیرش و اجتناب از کمک‌طلبی طبقه بندی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۴ سؤال (۷ سؤال پذیرش کمک‌طلبی و ۷ سؤال اجتناب از کمک‌طلبی) می‌باشد. روایی این پرسشنامه توسط قدم‌پور و سرمد (۱۳۸۲) با استفاده از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته که دو عامل در قالب پذیرش و اجتناب استخراج و نامگذاری شدند. این پژوهشگران اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای پذیرش کمک‌طلبی و اجتناب از کمک‌طلبی را ۰/۶۸ و ۰/۶۸ به دست آورده‌اند.

در پژوهش حاضر نیز اعتبار هر یک از مقیاس‌های پذیرش کمک‌طلبی و اجتناب از کمک‌طلبی براساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۸ محاسبه شده است.

یافته‌ها

اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی است. به عبارت دیگر دانش‌آموزان خود را عضو حیاتی اجتماع دانسته و فکر می‌کنند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا دارند، و این در حالی است که پائین‌ترین میانگین مربوط به

جدول ۳. میانگین، انحراف استاندارد و توصیف آماری نمرات در پرسشنامه رفتار کمک طلبی

متغیر	M	SD	چولگی	کشیدگی
پذیرش کمک طلبی	۴/۲	۰/۷۸	۰/۰۰۷	-۰/۴
اجتناب از کمک طلبی	۲/۳	۰/۸	-۰/۰۸	-۰/۳۶

همانگونه که در جدول ۴ آمده است: ۱. متغیر ملاک اجتناب از کمک طلبی با متغیرهای پیش بین پذیرش اجتماعی، سبک هویت اطلاعاتی و سبک هنجاری در سطح ۰/۰۱ و با متغیرهای شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی و مشارکت اجتماعی در سطح ۰/۰۵ همبستگی منفی دارد، در حالی که بین اجتناب از کمک طلبی و سبک هویت اجتنابی رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. بین اجتناب از کمک طلبی با متغیرهای انسجام اجتماعی و تعهد هویت رابطه معناداری مشاهده نشد.

۲. بین متغیر ملاک پذیرش کمک طلبی با متغیرهای پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت و با سبک هویت اجتنابی همبستگی منفی وجود دارد. همچنین پذیرش کمک طلبی با انسجام اجتماعی در سطح ۰/۰۵ به طور مستقیم همبسته است. و این در حالی است که بین پذیرش کمک طلبی و تعهد هویت رابطه معناداری مشاهده نشد.

۳. بین دو متغیر ملاک پذیرش کمک طلبی و اجتناب از کمک طلبی نیز در سطح ۰/۰۱ رابطه منفی وجود دارد (۰/۳۷۱).

۴. اگر چه بیشتر متغیرهای پیش بین با یکدیگر به طور معنی‌داری همبسته‌اند، اما میزان این همبستگی به اندازه‌ای نیست که نگران وجود هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین بود. به طوری که بالاترین همبستگی مربوط به انطباق اجتماعی و پذیرش اجتماعی است (۰/۴۰۸).

جدول ۴. همبستگی‌های متقابل برای رفتار کمک‌طلبی و متغیرهای پیش‌بینی‌کننده

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. اجتناب از کمک‌طلبی	-									
۲. پذیرش کمک‌طلبی	۳۷۱** -۰/	-								
۳. پذیرش اجتماعی	۳۵۸** -۰/	۰/۲۷۰	-							
۴. انسجام اجتماعی	۰/۱۳۹	۰	۰/۳۳۶	-						
۵. شکوفایی اجتماعی	۰/۱۹۱*	۰/۲۸۹	۰/۲۵۲	۰/۲۳۵	-					
۶. انطباق اجتماعی	۰/۱۹۹*	۰/۲۴۰	۰/۴۰۸	۰/۲۸۰	۰/۲۸۷	-				
۷. مشارکت اجتماعی	۰/۱۹۹*	۰/۳۴۲	۰/۴۰۱	۱۷۳** ۰/	۰/۲۵۹	۰/۳۷۳	-			
۸. سبک اطلاعاتی	۲۵۳** -۰/	۰/۲۲۴	۰/۱۴۲	۰/۰۸۹	۱۶۵** ۰/	۰/۱۱۳	۰/۱۲۹	-		
۹. سبک هنجاری	۲۹۰** -۰/	۰/۲۵۸	۰/۲۳۰	۰/۱۲۶	۰/۰۷۸	۱۷۸** ۰/	۰/۰۳	-		
۱۰. سبک اجتنابی	۲۹۷** ۰/	۰/۲۸۹	۰/۲۸۰	۰/۲۱۳	۰/۲۳۳	۰/۲۱۰	۰/۲۴۴	۰/۱۱۰	-	-
۱۱. تعهد هویت	۰/۱۲۱	۰/۰۱۶	۰/۰۸۶	۰/۰۷۴	-۰/۰۲	۰/۰۷۸	۰/۰۴۵	۰/۰۶۳	۰/۰۰۷	۰/۰۴۲

P < 0/05* P < 0/01**

برای استفاده از مدل رگرسیون چندگانه (روش گام به گام) ابتدا مفروضه‌های آن با ترسیم نمودار، آماره دوربین - واتسون^۱، تولرانس^۲ و عامل تورم^۳ مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی نشان داد که رابطه بین متغیرهای ملاک و متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، خطی است؛ شکل توزیع نمره‌ها به بهنجار نزدیک است، مشاهدات نسبتاً مستقل از یکدیگر بوده و مشکل هم‌خطی چندگانه نیز وجود ندارد. بدین ترتیب شرایط لازم برای انجام تحلیل رگرسیون چندگانه وجود دارد.

1. Durbin - Watson
2. Tolerance
3. VIF

بر اساس اطلاعات جدول ۵، از بین مؤلفه‌های پنجگانه سلامت اجتماعی تنها پذیرش اجتماعی همراه با سبک‌های هویت هنجاری، اطلاعاتی و اجتنابی وارد مدل شده و متغیرهای انسجام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، اجتناب اجتماعی و انطباق اجتماعی وارد مدل نشده است. زیرا با افزایش آن به مدل، مقدار R^2 به مقداری که از نظر آماری معنادار باشد، تغییر نمی‌کند.

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی اجتناب از کمک طلبی بر اساس

سبک‌های هویت و سلامت اجتماعی

گام‌ها	متغیرها	B	SEB	β	R	R^2	ΔR^2
۱	پذیرش اجتماعی	-۱/۲۷	۰/۴۶	-۰/۲۲۶	۰/۳۵۸	۰/۱۲۸**	۰/۱۲۸
۲	سبک هویت هنجاری	-۱/۲۴	۰/۴۵	-۰/۲۲۱	۰/۴۱۶	۰/۱۷۳**	۰/۰۴۵
۳	سبک هویت اطلاعاتی	-۱/۱۶	۰/۴۴	-۰/۲۰۷	۰/۴۷۰	۰/۲۲۱**	۰/۰۴۸
۴	سبک هویت اجتنابی	۱/۰۳	۰/۴۵	۰/۱۸۴	۰/۵۰۲	۰/۲۵۲*	۰/۰۳۱

** P < 0/01 * P < 0/05

همبستگی بین پذیرش اجتماعی و اجتناب از کمک طلبی برابر با ۰/۳۵۸ است. به عبارت دیگر متغیر پذیرش اجتماعی به تنهایی ۱۲/۸ درصد از تغییرات مربوط به اجتناب از کمک طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی را توجیه می‌کند ($R^2=0/128$). وقتی سبک هویت هنجاری نیز به مدل اضافه می‌شود مقدار R^2 به ۰/۱۷۳ افزایش پیدا کرده است، به عبارت دیگر ۱۷/۳ درصد تغییرات اجتناب از کمک طلبی وابسته به تغییرات دو متغیر پذیرش اجتماعی و سبک هویت هنجاری است. که سهم سبک هویت هنجاری برابر با ۴/۵ درصد می‌باشد. همچنین محاسبات مرتبط به آماره‌ی F نشان داد که مجذور همبستگی چند گانه در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($F=10/61$, $df=4$ و 126).

بنابراین بر اساس داده‌های موجود در جدول ۵ می‌توان معادله رگرسیون را به شرح زیر

نوشت:

(سبک هویت هنجاری) -۰/۲۲۱ - (پذیرش اجتماعی) -۰/۲۲۶ = اجتناب از کمک طلبی

(سبک هویت اجتنابی) +۰/۱۸۴ + (سبک هویت اطلاعاتی) -۰/۲۰۷

بر پایه مدل رگرسیون بالا می‌توان گفت: با افزایش یک واحد در پذیرش اجتماعی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت اطلاعاتی، به ترتیب به اندازه ۰/۲۲۶، ۰/۲۲۱ و ۰/۲۰۷ واحد از میزان اجتناب از کمک‌طلبی دانش‌آموزان کاسته و با افزایش یک واحد در سبک هویت اجتنابی، به میزان ۰/۱۸۴ واحد به اجتناب از کمک‌طلبی دانش‌آموزان دختر افزوده می‌شود، بنابراین متغیرهای پذیرش اجتماعی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت اطلاعاتی نقش کاهشی و متغیر سبک هویت اجتنابی نقش افزایشی در تغییرات اجتناب از کمک‌طلبی دانش‌آموزان دختر رشته ریاضی در درس ریاضی را دارا می‌باشند.

چنانکه در جدول ۶ ملاحظه می‌گردد از بین ۹ متغیر پیش‌بین، تنها پنج متغیر مشارکت اجتماعی، سبک هویت اجتنابی، سبک هویت هنجاری، شکوفایی اجتماعی و سبک هویت اطلاعاتی وارد معادله شده است، و متغیرهای انسجام اجتماعی، انطباق اجتماعی و پذیرش اجتماعی در مدل ظاهر نشده است.

جدول ۶. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی پذیرش کمک‌طلبی بر اساس سبک‌های هویت و سلامت اجتماعی

گام‌ها	متغیرها	B	SEB	β	R	R^2	ΔR^2
۱	مشارکت اجتماعی	۱/۰۳	۰/۴۵	۰/۱۹۳	۰/۳۴۲	۰/۱۱۷ ^{**}	۰/۱۱۷
۲	سبک هویت اجتنابی	-۰/۸۱	۰/۴۴	-۰/۱۵۲	۰/۴۰۲	۰/۱۶۲ ^{**}	۰/۰۴۵
۳	سبک هویت هنجاری	۱/۲	۰/۴۳	۰/۲۲۶	۰/۴۴۲	۰/۱۹۶ [*]	۰/۰۳۴
۴	شکوفایی اجتماعی	۱/۰۵	۰/۴۴	۰/۱۹۶	۰/۴۸۶	۰/۲۳۶ ^{**}	۰/۰۴۱
۵	سبک هویت اطلاعاتی	۰/۸۴	۰/۴۲	۰/۱۵۷	۰/۵۱۰	۰/۲۶۰ [*]	۰/۰۲۴

** P < 0/01 * P < 0/05

«مشارکت اجتماعی» با بیشترین سهم، تقریباً ۱۱/۷ درصد از تغییرات مربوط به پذیرش کمک‌طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی را تبیین می‌کند ($R^2=0/117$). با وارد شدن سبک هویت اجتنابی به مدل، مقدار R^2 به ۰/۱۶۲ افزوده می‌شود. یعنی سهم سبک هویت اجتنابی در پیش‌بینی پذیرش کمک‌طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی تقریباً برابر با ۴/۵ درصد است. بر این اساس حدود ۳/۴ درصد از واریانس پذیرش کمک‌طلبی دانش‌آموزان توسط ترکیب

خطی سبک هویت هنجاری تبیین می‌شود. این رقم در مورد متغیرهای شکوفایی اجتماعی و سبک هویت اطلاعاتی به ترتیب به ۴/۱ و ۲/۴ درصد می‌رسد. محاسبات مرتبط به آماره‌ی F نشان داد که مجذور همبستگی چند گانه در سطح ۰/۰۱ معنادار است (۱۲۴ و ۵ df، $F=8/7$). بنابراین بر پایه داده‌های موجود در جدول ۶ می‌توان معادله رگرسیون را به شرح زیر نوشت:

(سبک هویت هنجاری) $+ 0/226$ (مشارکت اجتماعی) $= 0/193$ پذیرش کمک طلبی

(سبک هویت اطلاعاتی) $+ 0/157$ (شکوفایی اجتماعی) $+ 0/196$

بنابراین می‌توان گفت: با افزایش یک واحد در مشارکت اجتماعی، سبک هویت هنجاری، شکوفایی اجتماعی و سبک هویت اطلاعاتی به ترتیب به اندازه ۰/۱۹۳، ۰/۲۲۶، ۰/۱۹۶ و ۰/۱۵۷ واحد به پذیرش کمک طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی، افزوده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

کمک طلبی در حیطه روان‌شناسی تحولی، گاهی به عنوان مظهر وابستگی و ناامنی و گاهی به عنوان مظهر خودمختاری و تبحر فعال توصیف شده است. تحول کمک طلبی در افراد از سه جنبه؛ آگاهی از نیاز به کمک، جست و جوی کمک و استفاده از راهبردها برای فراخوانی کمک است. افراد با کسب و تقویت مهارت‌های فراشناختی و داشتن آگاهی از نیازهای خود، باید برای انجام تکالیف احساس مسئولیت کنند. به منظور فهم پدیده کمک طلبی در موقعیت‌های تحصیلی، توجه به دلایل دانش‌آموزان برای رفتار کمک طلبی و اجتناب از کمک طلبی دارای اهمیت است. کمک طلبی، راهبردی یادگیری دانسته شده است که می‌تواند میزان یادگیری را افزایش داده و عملکرد فرد را در موقعیت‌ها بهبود بخشد. به نظر باتلر و نیومن (۱۹۹۵)، زمانی که اختلاف میان انتظارات تکلیف از یک طرف و توانایی دانش‌آموز از سوی دیگر زیاد باشد؛ کمک طلبی پاسخی منطقی به چنین وضعیتی است.

از نظر رایان و پینتریچ (۱۹۹۷)، زمانی که دانش‌آموزان به کمک نیاز دارند، ولی آن را تقاضا نمی‌کنند، خود را در وضع نامساعدی از یادگیری و عمل قرار می‌دهند. در واقع

دانش‌آموزی که در کلاس درس سوال می‌کند و کمک را در زمانی که لازم است، به دست می‌آورد، نه تنها مشکلات تحصیلی خود را کاهش می‌دهد، بلکه در این فرایند دانش و مهارت‌هایی کسب می‌کند که در موقعیت‌های بعدی می‌تواند از آنها برای کمک به خود استفاده کند.

کلاس درس جایی است که دانش‌آموزان در آن از نظر درسی با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند و باید از افراد با تجربه و کارآمد (مانند معلمان و همکلاسی‌ها) کمک بخواهند. با این حال روان‌شناسان تربیتی به مطالعه رفتار کمک‌طلبی دانش‌آموزان در محیط‌های تحلیلی کمتر پرداخته‌اند (باتلر، ۲۰۰۶). کمک‌طلبی در حوزه تحصیل و یادگیری ممکن است به عنوان نشانه‌ای از رفتار وابسته و غیرانطباقی پنداشته شود. معلمان پیرو چنین دیدگاهی ترجیح می‌دهند که دانش‌آموزان از کمک‌طلبی اجتناب کرده و به انجام دادن تکلیف‌ها به صورت مستقل مبادرت ورزند. همچنین کمک‌طلبی به عنوان رفتاری انطباقی و نوعی راهبرد یادگیری نیز دانسته شده است (باتلر و نیومن، ۱۹۹۵؛ رایان و پیترچ، ۱۹۹۷؛ نیومن، ۱۹۹۸). معلمانی که از این دیدگاه به کمک‌طلبی می‌نگرند سعی خواهند کرد تا دانش‌آموزان را هرچه بیشتر به پرس و جو و کمک گرفتن از دیگران ترغیب کنند.

اگر توضیح دادن فرایندی دوسویه است و نه صرفاً وسیله‌ای برای معلم تا برخی مطالب را به دانش‌آموزان انتقال دهد، پس توضیح‌های تعاملی نمونه‌هایی بسیار بیشتر از آنچه که فقط بین معلم و دانش‌آموز رخ می‌دهد، خواهد داشت. دانش‌آموزان، اغلب می‌توانند مطالب را در کلاس و در منزل برای یکدیگر توضیح دهند. این امر بسیار متداولی است که دانش‌آموزان، در منزل وقتی در انجام دادن تکلیف‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شوند، از خواهر یا برادر بزرگتر خود می‌خواهند که به آنان کمک کنند. همچنین در کلاس درس امر متداولی است که دانش‌آموزان هنگامی که به کمک نیاز دارند، یکدیگر را سؤال پیچ کنند. بسیاری از دانش‌آموزان می‌توانند با دانش‌آموزان دیگری که همسن خود آنها هستند، همدلی کرده و از زبان و مثال‌های مناسب برای روشن کردن مطلب بهره بگیرند. تشویق کردن اعضای کلاس از

همان اولین روزهای تدریس، برای آموزش دادن به یکدیگر، ارزش صرف وقت و تلاش کردن را دارد (راگ و براون^۱، ۲۰۰۱؛ ترجمه کیامنش و گنجی، ۱۳۸۷).

رفتار کمک طلبی تحت دو عنوان اجتناب از کمک طلبی و پذیرش کمک طلبی بررسی می‌شود. اجتناب از کمک طلبی به رفتاری اشاره می‌کند که در آن دانش آموز نیازمند کمک، از کمک گرفتن خودداری می‌کند، در حالی که پذیرش کمک طلبی به رفتاری اشاره دارد که در آن دانش آموز توضیحاتی را در مورد راه حل مسأله درخواست می‌کند و این امر باعث می‌شود دانش آموز مسأله را بهتر حل کند (حجازی و پاکدامن، ۱۳۸۰).

جدیدترین نظریه در مورد هویت، نظریه سبک‌های هویت برزونسکی است (۱۹۹۲). در این نظریه، الگوی شناختی-اجتماعی مطرح می‌شود که در آن به تفاوت‌های افراد در استفاده از فرایندهای شناختی-اجتماعی، تصمیم‌گیری، حل مسأله، مواجهه با مشکلات، درگیری با تکلیف و برخورداری از سلامت عمومی شناختی پرداخته شده است. براساس این الگو، برزونسکی سه سبک هویت: عینی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را مشخص کرد. سبک هویت اطلاعاتی به طور مستقیم با انعکاس خود، تمرکز بر مسأله، سبک معرفت‌شناسی خردگرایانه، نیاز زیاد به شناخت، تصمیم‌گیری براساس نقشه، هوشیاری و پذیرا بودن برای تجربه ارتباط دارد. افراد دارای سبک هویت هنجاری، به دلیل تبعیت از انتظارات و دیدگاه‌های افراد مهم زندگی‌شان، با تعارضات هویت روبه‌رو می‌شوند. این افراد بسیار دفاعی هستند، تحمل پایینی نسبت به ابهام و نیاز زیادی به ساختار دارند. افراد دارای سبک هویت اجتنابی مشکلات شخصی‌شان را به تعویق می‌اندازند و تمایلی برای مواجه شدن با تعارضات و مشکلاتشان ندارند، رفتار و تصمیم‌های آنها تحت تأثیر موقعیت است. این نوع سبک هویت با سطح پایین خودآگاهی، هوشیاری و ماندگاری شناختی و با سطح بالای راهبردهای تصمیم‌گیری و شناختی ناکارآمد، رابطه مستقیم دارد (برزونسکی، ۱۹۹۲).

کمک‌طلبی دانش‌آموزان به وسیله معیارهای گروهی یا اجتماعی محیط خود تحت تاثیر قرار گیرد. چرا که غالباً دانش‌آموزان با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که در آن موقعیت‌ها نمی‌توانند خواسته‌های خود را برآورده کنند و برای انجام تکالیف خود به کمک دیگران نیاز دارند. در این صورت درک هوشمندانه دانش‌آموز از موقعیت و محیط اجتماعی، می‌تواند عامل مؤثری در کمک گرفتن از دیگران باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که از بین مؤلفه‌های پنجگانه سلامت اجتماعی (انسجام، پذیرش، مشارکت، شکوفایی و انطباق) تنها پذیرش اجتماعی همراه با هر سه سبک هویت، یعنی اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی، می‌تواند اجتناب از کمک‌طلبی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. به طوری که متغیرهای پذیرش اجتماعی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت اطلاعاتی در تغییرات اجتناب از کمک‌طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی نقش کاهشی و متغیر سبک هویت اجتنابی نقش افزایشی داشته است.

همچنین یافته‌ها نشان داد که بین هشت متغیر پیش‌بین، پنج متغیر مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، سبک هویت اجتنابی، سبک هویت هنجاری، و سبک هویت اطلاعاتی می‌توانست پذیرش کمک‌طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی را پیش‌بینی نماید، در حالی که متغیرهای انسجام اجتماعی، انطباق اجتماعی و پذیرش اجتماعی نقشی در تبیین پذیرش کمک‌طلبی نداشتند. «مشارکت اجتماعی» با بیشترین سهم، تقریباً ۱۱/۷ درصد از تغییرات مربوط به پذیرش کمک‌طلبی دانش‌آموزان در درس ریاضی را تبیین می‌کرد. در تبیین این یافته می‌توان گفت طبق نظریه کیز (۱۹۹۸) ابعاد فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار و قابل فهم و دارای بالقوه‌هایی برای رشد و شکوفایی بداند، این افراد خود را با دیگران که واقعیت اجتماعی وی را می‌سازند، سهم می‌دانند و تلاش می‌کنند تا در جامعه‌ای که برای آنها ارزش‌قائل است، سهم باشند. این افراد می‌توانند رفتارهای معینی را انجام داده و مقاصد خاصی را به اتمام برسانند، و در این راستا برای غلبه بر مشکلاتی مانند مشکلات یادگیری برای جلب حمایت دیگران، تلاش می‌کنند.

جونز (۱۹۷۳) نیز در نظریه‌ی حرمت خود اشاره می‌کند، دانش‌آموزانی که به خاطر شکست تحصیلی، برداشت ضعیفی از حرمت خودشان دارند برای رسیدن به موفقیت و افزایش حرمت خود، جستجوی کمک می‌کنند. بر این اساس به نظر می‌رسد، دانش‌آموزانی که دارای سلامت اجتماعی هستند، یعنی خود را متعلق به گروه‌های اجتماعی می‌دانند، برای دوری از اضطراب ناشی از طرد شدن از گروه‌های اجتماعی (به خصوص همسالان) طلب کمک می‌کنند. دانش‌آموزان باید برای این منظور که بتوانند در مواقع لزوم از هم‌کلاسی‌های خود کمک بگیرند، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی خود را تقویت کنند. مثلاً مودبانه از دیگری کمک بخواهند، گروه‌هایی برای هم‌فکری و تبادل اطلاعات تشکیل دهند و از یکدیگر سؤال بپرسند. آموزش کمک‌طلبی بایستی یکی از موضوع‌های مورد توجه معلمان بوده و به طور مناسب به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

منابع فارسی

- پاکدامن، م؛ فرزند، و؛ سرمد، ز؛ خانزاده، ع. (۱۳۸۷). نقش کمک‌طلبی در عملکرد حل مسأله ریاضی: یک رفتار وابستگی یا یک راهبرد یادگیری؟ فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و چهارم، ۳، ص ۱۱۹-۱۳۷.
- حجازی، ا؛ پاکدامن، م. (۱۳۸۰). تأثیر اهداف پیشرفت و سطح توانایی بر رفتار و نگرش کمک‌طلبی تحصیلی. مجله روان‌شناسی، ۱۸، سال پنجم، ۲.
- حیدری، غ. (۱۳۸۵). هنجاریابی پرسشنامه سلامت اجتماعی بر روی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مرکزی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد فراهان.
- دلاور، ع. (۱۳۸۴). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.
- راگ، ا. ک؛ براون، ج. (۱۳۸۷). توضیح دادن در دبستان. ترجمه علیرضا کیامنش و کامران گنجی. تهران: انتشارات رشد.

سعادت‌ی شامیر، ا. (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت برزونسکی با سلامت عمومی و مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*.

شکری، ا؛ غنایی، ز؛ دانشور، ز؛ شهرآرای، م. (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت. *تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، ۲، ص ۳۳-۴۶*.

فارسی‌نژاد، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران*.

قدم‌پور، ع؛ سرمد، ز. (۱۳۸۲). نقش باورهای انگیزشی در رفتار کمک‌طلبی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی ۲۶، سال هفتم، ۲*.

کازی، پ. ک. (۱۳۸۹). *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری*. ترجمه و افزوده‌ها: نفیسی و گنجی. تهران: جیحون.

گنجی، ح. (۱۳۸۲). *بهداشت روانی*. تهران: نشر ارسباران.

مغانلو، م؛ وفايي، م؛ شهرآرای، م. (۱۳۸۷). رابطه عوامل پنج‌عاملی شخصیت و سبک‌های هویت. *پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۱۱، ۲ (۲۱)، ص ۷۹-۹۴*.

چکیده انگلیسی

- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 268-282.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self – construction over the life- span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology, 1*, 155-186.
- Berzonsky, M. D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality, 60(4)*, 771-786.
- Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self- regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research, 12*, 347-353.
- Berzonsky, M. D. & Kuk, I. (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15 (1)*, 81- 98.
- Berzonsky, M. D. (2003). The structure of identity: Commentary on Jane Kroger's view of identity status transition. *An International Journal of Theory and Research, 3*, 231-245.

- Butler, R. (1998). Determinants of help-seeking: Relations between perceived reasons for help-avoidance and help-seeking behaviors in an experimental context. *Journal of Educational Psychology*, 90, 630-643.
- Butler, R. (2006). An achievement goal perspective on student help seeking and teacher help giving in the classroom: Theory, research, and educational implications. In: S. Karabenick and R. Newman (Eds): *Help seeking in academic setting: Goals, groups and contexts*, Erlbaum.
- Butler, R. & Newman, O. (1998). Effects of teasel and ego achievement goals on help-seeking behaviors and attitudes. *Journal of Educational Psychology*, 87, 267-271.
- Depaulo, B., A. Nadler, & J. Fisher. (1983). *New directions in helping*. New York: Academic Press.
- Elmar, S., & Rainer, B. (2009). Not Everybody Needs Help to Seek Help: Surprising Effects of Metacognitive Instructions to Foster Help-Seeking in an Online-Learning Environment. *Computers & Education*, 53, 4, 1020-1028.
- Ericson, E. H. (1986). *Identity: Youth and Crisis*. New York: Norton.
- Karabenick, R.S., & Knapp, J.R. (1995). Relationship of academic help seeking to the use of learning strategies and other instrumental achievement behavior in college students. *Journal of Educational Psychology*, 83(2), 221-230.
- Keyes, C.L.M. (1998). Social Well-being. *Social Psychology Quarterly*, 2, 121-140.
- Keyes, C. L. M, & Ryff, C. D. (2000). Subjective change and mental health: a self-concept. *Social psychology quarterly*, 63, 264-279.
- Keyes, C. L. M. (2002). Optimizing well-being: the empirical encounter of two traditions. *Journal of personality and social psychology*.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity stats. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J. E. (1980). *Identity in Adolescence*, in *Handbook of Adolescent Psychology*. New York: John Willy and Sons.
- Verouden, N.W., Vonk, P., & Meijman, F. J. (2010). Context guides illness-identity: a qualitative analysis of Dutch university students' non-help-seeking behavior. *Journal of Youth Adolescent*; 39 (11):1343-56.
- Nelson-Le Gall, S. (1981). Help-seeking: An understudied problem-solving skill in children. *Developmental Review*, 1, 224-246.
- Nelson-Le Gall, S. (1985). Help-seeking behavior in learning. In E. W. Gordon (Ed), *Review of research in education* (Vol. 12, 55-90). Washington, DC: American Educational Research Association.
- Newman, R. S. (1990). Children's help-seeking classroom: the role of motivational factors and attitudes. *Journal of Educational Psychology*, 82, 71-80.
- Newman, R. S. (1998). Student's help-seeking during problem-solving: Influences of personal and contextual achievement goals. *Journal of Educational Psychology*, 90, 644-658.
- Newman, R. S., & Goldin, L. (1995). Children's reluctance to seek help with school work. *Journal of Educational Psychology*, 82, 82-100.

- Ryan, A. M. Pintrich, P. R., Midgley. (2001). Avoiding Seeking Help in the classroom who and why? *Educational Psychology Review*, 13(2), 93-114.
- Ryan, A. M. Gheen, M. H., Midgley. (1998). Why do some students avoid asking for help? An examination of the interplay among student's academic efficiency, teacher's social-emotional role, and the classroom goal structure. *Journal of Educational Psychology*, 90, 528-538.
- Skinner, B., & Madden, M. C. (2010). Help Seeking in English Language Learning. *ELT Journal*, 64, 1, 21-31.
- Tabachnick, B. G., & Fidel, L. S. (2007). *Using Multivariate Statistics, Fifth Edition*. Needham Heights, MA: Allyn & Bacon.
- Webb, N. M. & Mastergeorge, A. M. (2003). The development of students' helping behavior in peer- directed small groups. *Cognition and Instruction*, 21(4), 361-428.
- Wragg, E. C. (1993). *Primary Teaching Skills*, London: Rutledge.

